

نویسنده: انا میتویوا «Anna Matveeva»
منبع و تاریخ نشر: ریسپونسیبل ستیت گرفت «2026-02-04»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



**چرا روسیه پس از تغییر رژیم سوریه
جان سالم به در برد – و ممکن است
رشد کند؟**

***Why Russia survived — and may thrive —
after Syria regime change***

دمشق به مسکو نیاز دارد، همانطور که مسکو به دمشق نیاز دارد.

Damascus needs Moscow just as much as Moscow needs Damascus

اواخر ماه گذشته، احمد الشرع، رئیس جمهور سوریه، برای دومین بار از زمان تصدی مقام ریاست جمهوری، از مسکو بازدید کرد.

او در کرملین به رئیس جمهور پوتین گفت: «در مسیر برف زیادی دیدم و داستانی را به یاد آوردم. به یاد آوردم که چگونه بسیاری از قدرت‌های نظامی سعی کردند به مسکو برسند، اما به دلیل شجاعت سربازان روسی و همچنین به این دلیل که خود طبیعت به محافظت از این سرزمین مقدس کمک کرد، شکست خوردند.»

این اظهارات از یک رهبر نظامی که نیروهایش در طول جنگ داخلی توسط هواپیماهای جنگی روسیه بمباران شده بودند، هر چند صادقانه به نظر می‌رسیدند، تعجب آور بود.

سقوط بشار اسد، دیکتاتور سوریه، ضربه‌ای برای کرملین بود، اما ضربه سختی خورد. اکنون، این رابطه باید بر اساس جدیدی بازسازی شود - نه بین حامی و پیرو، بلکه بر اساس برابری. روسیه بخشی از دستور کار تنوع بخشی دولت جدید سوریه است: سوریه به تمام دوستانی که می‌تواند به دست آورد نیاز دارد، اما بدون اینکه به مهره‌ای در بازی ژئوپلیتیکی شخص دیگری تبدیل شود. مسکو، فعلاً، از ارائه این پیشنهاد خوشحال به نظر می‌رسد.

برای سوریه، دلایل عمل‌گرایانه در ظاهر آشکار است. مسکو یک شریک نظامی بلند مدت است. بیشتر سلاح‌های آن از روسیه می‌آید و پرسنل سوری برای استفاده از آنها آموزش دیده‌اند. سوریه برای حفظ صلح به کمک نیاز دارد و افسران پلیس نظامی روسیه که در گذشته مؤثر بوده‌اند و برای مردم محلی قابل قبول هستند، هشت نقطه نظارتی بین قنطره و بلندی‌های جولان را اداره می‌کنند. دمشق در حال مذاکره با مسکو برای استقرار نیروهای نظارتی روسیه برای ایجاد ثبات در جنوب سوریه بوده است، که مذاکرات با اسرائیل در این مورد ادامه دارد.

دمشق به دنبال گشودن کشور به روی جهان است، اما سوریه پیشنهادهای آماده کمی دارد، در حالی که کرملین آماده است تا با ادامه مذاکرات در مورد پایگاه‌های نظامی خود در آنجا، کمک‌های اقتصادی و محموله‌های غلات را برای نشان دادن حسن نیت خود ارائه دهد. نکته قابل توجه این است که روسیه حدود 20 میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی سوریه، از جمله انرژی، زیرساخت‌ها و تأسیسات صنعتی، دارد که نیازهای بلندمدت این کشور را برآورده می‌کند.

معادله بین‌المللی نیز به نفع مسکو است. کرسی دائم روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد به آن اهرمی برای حمایت از دولت جدید می‌دهد و همچنان در امور منطقه‌ای تأثیرگذار است. ایالات متحده و روسیه دیگر علیه یکدیگر بازی نمی‌کنند و منافع آنها در سوریه با هم هماهنگ شده است، در حالی که پایان حضور ایران برای هر دو مایه آسودگی خاطر بود.

واشنگتن و مسکو برای دولت جدید در بازگرداندن ثبات و تمامیت ارضی آرزوی موفقیت دارند، همانطور که قطع حمایت ایالات متحده از نیروهای دموکراتیک سوریه به رهبری کردها نشان داد. این تغییر باعث شد روسیه پایگاه خود در قامشلی را ترک کند، اما این کار به هدف خود رسیده بود و زمانه تغییر کرده است. نیروها به جایی که به آنها نیاز است می‌روند - به اوکراین.

دلایل دیگری نیز وجود دارد که کمتر آشکار هستند. در اولین سفر الشرع به مسکو در سال 2025، یکی از اعضای هیئت همراه او ریش نداشت، که در دولت تحت رهبری اسلام‌گرایان غیرمعمول بود. این برادر بزرگتر رئیس جمهور، ماهر الشرع بود که معتبرترین سمت دبیرکل ریاست جمهوری سوریه (رئیس دفتر ریاست جمهوری) را بر عهده دارد. تا سال 2022، در حالی که احمد رهبری جنگ مقدس در خاورمیانه را بر عهده داشت، ماهر به عنوان پزشک زنان در ورونژ روسیه کار می‌کرد و با یک روس ازدواج کرده بود. بنا براین، به دلیل ارتباطات شخصی عمیق، ارتباط با رهبری جدید امکان پذیر شد و ماهر الشرع مسئول ایجاد روابط با مسکو شد.

ایده آل نیست،
موفق بشر به او
سور را کنترل

اظهارات خود پوتین نشان می‌دهد که او معتقد است رئیس جمهور سوریه شایسته احترام است. الشرع یک رهبر خودساخته است که از طریق آزمایش‌های جنگ به شهرت رسیده و می‌تواند به خوبی ثابت کند که از اسد که مدت‌ها درگیر فساد و دسیسه‌های خانوادگی بوده، مؤثرتر است.

دو طرف نگرانی متقابلی برای مختل کردن تهدیدات امنیتی ناشی از قلمرو یکدیگر دارند. در حالی که اسد، که در مسکو پناهنده است، به تعهدات خود پایبند است و به عنوان یک مستمری بگير خصوصي زندگي می‌کند، بنا به گزارش‌ها، چهره‌هایی از اطرافیان علوی او در روسیه علیه صاحبان قدرت جدید در دمشق توطئه می‌کنند. الشرع به پوتین نیاز دارد تا این فعالیت‌های مخفیانه را متوقف کند و برای بازگرداندن وجوه اختلاس شده سوریه فشار بیاورد. مسکو نگرانی‌های امنیتی خاص خود را دارد. در دهه 2010، حداقل (5500) جنگجوی مسلمان از روسیه برای پیوستن به گروه‌های سلفی-جهادی به سوریه رفتند. گردان‌های قفقاز شمالی، مانند اجناد القوقاز، سهم برجسته‌ای در پیروزی هیئت تحریر الشام (HTS) وابسته به الشرع داشتند. چندین فرمانده، مانند عبدالله داغستانی، رهبر جیش المهاجرین و الانصار، با انتصابات ارشد در وزارت دفاع جدید پادشاه گرفتند.

جنگجویان قفقاز شمالی با ورود خود به دمشق، پرچم امارات قفقاز، یک سازمان تروریستی از چین، را که قبلاً گمان می‌رفت منحل شده است، برافراشتند.

مسکو ترجیح می‌دهد جنگجویان روسیه در سوریه ادغام شوند تا اینکه بخواهند به وطن خود بازگردند، به داعش بپیوندند یا برای کشورهای ثالث، به ویژه اوکراین، بجنگند. ارتباط بین بازیگران چینی و اوکراین از سال ۲۰۲۲ تشدید شد، زمانی که آنها درگیری خود را از سوریه به نبرد باخموت و به کورسک کشاندند و قفقاز شمالی را تهدید به هدف قرار دادن کردند. حضور آنها در سوریه نیازمند برخورد ظریف الشراع است. رفقای سابق چینی او از قبل نارضایتی خود را نشان داده بودند و او نمی‌تواند آنها را به دشمن تبدیل کند.

سرمایه‌گذاری بلندمدت در سرمایه انسانی از طریق فرهنگ، آموزش و جابجایی به روسیه نیز ادغام اجتماعی را تقویت کرده است. حداقل «۳۵۰۰۰» فارغ التحصیل دانشگاه‌های شوروی و روسیه در دوران حکومت اسد وارد طبقه متخصص سوریه شدند. پس از یک وقفه کوتاه، در سال ۲۰۲۵ مسکو تخصیص بورسیه‌های دانشجویی رازسر گرفت.

فرهنگ برای هر دو ملت مهم است، به ویژه از آنجایی که سوری‌ها به شدت از میراث از دست رفته در طول جنگ آگاه هستند. در اینجا، تلاش‌های بازسازی در پالمیرا از طریق همکاری با موزه ارمیتاژ دولتی روسیه در سن پترزبورگ و موسسه تاریخ فرهنگ مادی روسیه مورد تقدیر قرار گرفته است. حتی روشنگرتر، بازگشایی خانه اپرای دمشق در ژانویه ۲۰۲۵ بود که قطعات چایکوفسکی در کنسرت افتتاحیه اجرا شد. موسیقی کلاسیک ممکن است برای همه جذاب نباشد، اما توده‌ای بحرانی وجود دارند که احساس می‌کنند کنسرت‌های سازهای زهی نوازندگان سوری آموزش دیده در مسکو و سن پترزبورگ، و همچنین نمایشگاه‌های هنری و نمایش‌های نمایی هنرمندان تحصیل کرده در روسیه، بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی شهری دمشق است.

افراد و شبکه‌های فراملی نیز در نفوذ اجتماعی نقش داشته‌اند. به عنوان مثال می‌توان به سیاستمداران و بازرگانان هم‌قومی با ارتباط با روسیه و سوریه، مانند زیاد سبسا بی، سیاستمدار چینی متولد حلب که سناتور چین در مجلس فدرال روسیه شد، و لوی الیوسف، تاجر سوری-اینگوشی اشاره کرد. در نتیجه، روابط تجاری، کاری و ارتباطات مهاجران با کارگزاران غیررسمی قدرت در سوریه، ما تریس مترا کمی از روابط افقی ایجاد کرد که می‌توانست تا حد زیادی مستقل از قدرت‌های مرکزی عمل کند. در مجموع، دارایی‌های متعدد در سوریه، پایه و اساسی را برای مسکو فراهم می‌کند تا سیاست جدیدی را بر اساس منافع مشترک ایجاد کند، نه اینکه دمشق به عنوان یک طرف درخواست‌کننده عمل کند. بخش‌های متحرک زیادی وجود دارد، اما اگر مؤثر باشد، می‌تواند پایدارتر و سودمندتر از ترتیبات قدیمی اسد در گذشته باشد.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله:

آنا ماتویوا دکتر

آنا ماتویوا، پژوهشگر ارشد مهمان در کالج کینگ لندن، موسسه روسیه و نویسنده کتاب

«در طول دوران مشکلات: درگیری در جنوب شرقی اوکراین، توضیح از درون»،
انتشارات لکسینگتون، ۲۰۱۸ است. او در زمینه مسائل صلح و درگیری تخصص دارد و
سابقه کار در برنامه توسعه سازمان ملل متحد را دارد.

----- **با تقدیم احترامات** «2026-02-07»

.....

